

۳۷

دو هفته نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
انجمن اسلامی مستقل دانشگاه علامه طباطبائی

بن بست

غرب



جمهوری اسلامی ایران

صفحه ۴

دل‌بسته‌ی غرب

سلسله یادداشت نقد عملکرد دهشت ساله

همچنین در این شماره می‌خوانید

صفحه ۲۰

مصاحبه سحر با
دکتر عباسعلی رهبر

صفحه ۱۴

الگوسازی غلط،
گل‌وله پایان حیات خانواده



مسئله اقتصاد کشور را به رفع تحریم گره نزنند.
 در این سه چهار سال اخیر مدام گفتیم تحریم [اگر] برداشته بشود
 مثلاً فرض کنید این جوری میشود...
این «اگرها» اقتصاد را معطل و سردرگم نگه میدارد
و این ضرر بزرگی است.

۱۴۰۰/۱/۱
 رهبر انقلاب اسلامی

جدال پرتمنای ایران و غرب
 ۶

دل بسته غرب
 سلسله یادداشت نقد عملکرد
 ۴

کلید کمشده مشکلات
 ۱۰

کلاب هاوس گفتمان ساز؟!
 ۸

محتوای بی پایان مجازی
 ۱۲

الکوسازی غلط، گلوله پایان
 حیات خانواده
 ۱۴

هنر انقلابی
 ۱۶

می‌خواهم دیده شوم!
 ۱۸

مصاحبه
 نقش اساتید در انتخابات
 ۲۰



دو هفته نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
 انجمن اسلامی مستقل دانشگاه علامه طباطبائی

شماره ۳۶
 هفته چهارم اسفند ماه ۱۳۹۹

صاحب امتیاز:
 انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه
 علامه طباطبائی
مدیر مسئول:
 علیرضا بهرامی
سردبیر و ویراستار:
 سید محمدمهدی سیدی
هیئت تحریریه:
 زینب الجبوری، محمد امین برغمندی، زهرا پلوئی،
 محمد مهدی تکلویی، نرگس جانی، بهارسادات
 شیخ‌الاسلامی، محمدصادق عباسی، زینب عشوریان،
 فاطمه عشوریان
صفحه آرا:
 سید مجتبی هاشمی

برای عضویت و یا مشاهده صفحه ی
 ما در اینستاگرام و پیام رسان بله، روی
 لوگوی هر کدام کلیک کنید



کلام امام

روزه ماه مبارک رمضان به انسان
 ثابت می‌کند که انسان می‌تواند
 بر هوس‌ها فائق بیاید و پیروز
 شود. این اراده قوی می‌تواند ما را
 از عادات شخصی و خصال بومی
 ناپسند جدا کند.

۱۳۸۶/۷/۲۱

دل‌بسته غرب

سلسله یادداشت نقد عملکرد دولت و بایدهای دولت آینده

محمد مهدی تکلویی (دبیر انجمن در دانشکده حقوق)

از سال ۱۳۹۰ تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه ایران تشدید شده است. قاعدتاً سیاست فشار حداکثری و تحریم‌های ظالمانه بر اقتصاد ایران تاثیرگذار بوده و لاجرم موجب کوچک شدن اقتصاد کشور شده است. مشکلات اقتصادی مختلف اعم از فشار بر قشر مستضعف، عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی، گسترش فسادهای مالی و... در نتیجه کوچک شدن اقتصاد کشور بوجود می‌آید. با این اوصاف به گفته اقتصاددانان تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد این مشکلات مربوط به تحریم‌هاست و ۶۰ تا ۷۰ درصد این مشکلات به ضعف مدیریت دولت مربوط می‌شود.

دولت تقریباً همه راه‌های دور زدن و خنثی سازی تحریم‌ها را نادیده گرفت

گره خود تحریمی

در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، دولت عملاً خود را دچار یک خودتحریمی کرده است؛ به عبارت دیگر با خوش بینی بیش از اندازه به غرب، بیشتر راه‌های مقابله با تحریم‌ها را نادیده گرفته است. با امیدواری به آینده مذاکره با غرب، دولت تقریباً همه راه‌های دور زدن و خنثی سازی تحریم‌ها را نادیده گرفت؛ به وعده‌های کشوری اعتماد کرد که به حسب تجربه تاریخی، هیچ‌گاه بر وعده و قرار خود باقی نمانده بود و

نتیجه مذاکره از قبل قابل پیش‌بینی بود. با این وجود که رهبر انقلاب بارها بر این مورد تأکید داشتند که طرف‌های غربی قابل اعتماد نیستند و مذاکره در جایی باید صورت بگیرد که استقلال کشور در معرض خطر قرار نگیرد، دولت با این تفکر که باید با کدخدا ساخت، سال‌ها در پی مذاکره در موضوعات مختلف بود. این رویکرد تا جایی ادامه پیدا می‌کند که دولت حتی از ظرفیت‌های داخل و دیگر کشورهایی که حاضر به تجارت با ایران هستند استفاده نمی‌کند و همواره در انتظار طرف‌های غربی می‌ماند.

تفکر نمی‌توانیم

دولت در این هفت سال با القای این تفکر که خودمان نمی‌توانیم و دیگران باید برای ما بسازند، معیشت مردم را معطل برجام نگه داشته و ظرفیت‌های درون کشور را در انتظار طرف‌های غربی به حال خود رها گذاشته است. بخش خصوصی به عنوان موتور محرک اقتصاد باید تقویت می‌شد و دولت به عنوان پشتیبان و هادی اصلی، از آن حمایت می‌کرد؛ ولی این تفکر که خودمان نمی‌توانیم آنچنان در ذهن دولت رسوخ پیدا کرده بود که می‌توان گفت دولت با بخش خصوصی بیگانه

شد. به طور تقریبی تصدی‌گری ۸۰ درصد شرکت‌ها در دست دولت است و دولتی هم که اعتقادی به تولید داخل و توان رقابتی آن ندارد به جای آن که در روند کار تسهیل ایجاد کند، مانع ایجاد می‌کند. روند مجوزدهی برای واحدهای تولیدی به صورتی در دستگاه‌ها پیش‌بینی شده و سخت گرفته می‌شود که گرفتن مجوز تقریباً غیر ممکن است. ما در جایی که مدیریت درستی را نسبت به بخش خصوصی داشتیم شاهد دستاوردهای خوبی بودیم. به عنوان مثال ما سال‌ها در بحث خودروسازی منتظر شرکت‌های خارجی بودیم تا بیایند و برای ما بسازند. حال بعد از سی سال که دیگران قدمی برای ما برداشتند ما خودمان توانستیم به جایی برسیم که ۸۰ درصد قطعات خودرو را در داخل کشور تولید کنیم.

به امید خام فروشی نفت

یکی از مسائل راهبردی که در این هفت ساله مورد غفلت قرار گرفته جلوگیری از خام فروشی نفت است که همواره یکی از نقاط ضعف ما بوده است. مشخص است که میزان فروش نفت کشور در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌ها کاهش یافته است. کشورهای دیگری که در سال‌های پیشین مشتری نفت ما بودند میزان خرید خود را کم کردند. در نتیجه، میزان فروش نفت به پایین‌ترین میزان خود از سال ۱۳۶۱ رسیده است. درست است که بخش عمده‌ای از این اتفاق بدلیل تحریم‌هاست اما عدم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دولت نیز بی‌تاثیر نبوده است. در دولت آقای روحانی تقریباً همه راه‌های

دور زدن تحریم‌ها به امید لغو تحریم از بین رفت. این درحالی است که ما می‌توانستیم با سیاست‌گذاری‌های درست مانند تقویت زنجیره ارزش افزوده بخش نفت و احداث پتروپالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها، میزان تولید خود را در حد مطلوبی نگه داریم. از آنجایی که فرآورده‌های پتروپالایشی تحریم‌ناپذیر است و کشورهای همسایه و حتی دیگر کشورها بازار مناسبی برای این محصولات هستند، دولت می‌توانست تهدید تحریم نفت را به فرصتی برای صادرات کالاهای فرآوری شده از نفت بدل کند.

حال بعد از پایان ریاست جمهوری حسن روحانی تنها این شرمندگی برای دولت باقی می‌ماند که نه تنها برای افزایش تولید و توان داخل کمک شایانی انجام ندادند بلکه با بستن راه‌های دور زدن تحریم خسارت‌های بسیاری هم به کشور وارد کردند. رویکرد غرب‌گرایانه دولت اکنون نیز دست‌خوش تغییر نگردیده و همچنان به دنبال راهی برای مذاکره است. مسیری که به‌طور حتم باید در دولت بعدی اصلاح گردد تا از تکرار اشتباهات پریان گذشته جلوگیری گردد.



بازگشت به فهرست

جدال پرتمنای ایران و غرب

سند همکاری ایران و چین و اسناد خود تحریمی اف ای تی اف

زهرا پلوئی (دبیر سیاسی انجمن در دانشکده حقوق)

در هفته‌های اخیر دو مسئله تفاهم‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین و همچنین وضعیت FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام بحث‌برانگیز شدند و همین امر بهانه‌ای شد تا به بررسی این مسائل بپردازیم.

“اتحادی شرقی، علیه تحریم غربی”

چندی پیش، سندی با عنوان “برنامه همکاری‌های جامع ایران و چین” توسط وزرای امور خارجه ایران و چین امضا شد. این سند که ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و... را دربر می‌گیرد به “اتحادی شرقی علیه تحریم غربی” معروف شده است و یک برنامه کاری گسترده برای آینده به شمار می‌آید. هرچند برای تبدیل این سند به یک خروجی عملیاتی، نیاز به مذاکرات گسترده‌تر و امضای ده‌ها توافق‌نامه دیگر وجود خواهد داشت اما امضای این تفاهم‌نامه گامی مهم در مسیر خنثی‌سازی تحریم‌های آمریکا و غرب و راهی جدید برای ارتباط دوباره با اقتصاد جهانی است. چین به عنوان دومین قدرت اقتصادی جهان همواره روابط حساسی با آمریکا داشته و در حال حاضر بزرگترین رقیب اقتصادی آمریکا محسوب می‌شود و به وضوح منافع آمریکا را تهدید می‌کند. ایران نیز می‌تواند از طریق ارتباط با چین و استفاده از زیرساخت‌های مالی‌اش برای دور زدن تحریم‌ها استفاده کند. سطح بالای تجارت ایران و چین، خرید

تضمینی نفت از ایران، انتقال تکنولوژی در حوزه‌های مختلف، سرمایه‌گذاری در راستای توسعه کشور و... از جمله مواردی است که می‌تواند به ایران در راستای خنثی‌سازی تحریم‌های آمریکا کمک کند. در نتیجه از این معاهده می‌توانیم به عنوان برگ برنده ایران در مقابل غرب یاد کنیم. معاهده ایران و چین بازتاب خبری وسیعی داشت و سرتریترا اخبار در سراسر جهان از این معاهده به عنوان یک “توافق و اتحاد بزرگ” یاد کردند و آن را “چالشی جدی” برای آمریکا قلمداد کردند. یکی از این چالش‌ها که شورای ملی اطلاعات آمریکا به آن اشاره کرده، اتحاد چین با ۱۱ کشوری است که پیش‌بینی شده تا سال ۲۰۵۰ به قدرت‌های برتر اقتصادی تبدیل می‌شوند و ایران نیز یکی از این یازده کشور است. بر اساس این اتحاد قدرت و هژمونی اقتصادی آمریکا می‌تواند با چالش جدی مواجه شود.

وقتی FATF مانع خنثی‌سازی تحریم‌ها می‌شود...

در حالی که تفاهم‌نامه ایران و چین به عنوان راهکاری در جهت خنثی‌سازی تحریم‌ها مطرح شده است، FATF می‌تواند با ایجاد فضای کنترلی برای آمریکا بر تمام مبادلات مالی ایران، تمام راه‌های ایران برای دور زدن تحریم‌ها را ببندد. در ماه‌های اخیر

SANCTION

تعداد زیادی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام صراحتاً مخالفت خود را با FATF اعلام کرده بودند اما گویا فضای انتخاباتی کشور باعث شده که این اعضا در تصمیم‌شان تعلل کنند و به نظر می‌رسد قرار نیست تکلیف این اسناد تا خرداد ۱۴۰۰ مشخص شود! در روزهای اخیر نیز دکتر ظریف اعلام کرده است که مهم‌ترین نیاز برای اجرای سند بین ایران و چین، اجرای برجام و FATF است و بدون این موارد، تفاهم‌نامه به جایی نمی‌رسد. با وجود این ادعا، طبق آمارهای غیر رسمی، چین روزانه از ایران حدود ۸۵۰ هزار بشکه نفت خریداری می‌کند و اگر FATF مانع اصلی در روابط اقتصادی باشد، چین باید در تمام این سال‌ها که ایران در لیست کشورهای پرخطر این سازمان قرار داشت روابطش را با ما قطع می‌کرد.

راه برون‌رفت از مشکلات

باتوجه به وضعیت فعلی کشور، اگر راه برون‌رفت از مشکلات را خنثی‌سازی تحریم‌ها بدانیم، در کنار توجه به عوامل داخلی از جمله اقتصاد مقاومتی، مبارزه

با قاچاق، مانع‌زدایی‌های عرصه تولید و... باید در عرصه سیاست خارجی نیز به کشورهای همسایه و کشورهای شرقی به عنوان شرکای راهبردی و استراتژیک ایران، توجه بیشتری کنیم. بعد از تفاهم‌نامه ایران و چین، دست‌پاچگی آمریکا و کشورهای غربی به وضوح دیده شد و حالا برای اینکه امتیازی را از دست ندهند به مذاکره مجدد در وین روی آورده‌اند. باتوجه به این که آمریکا و اسرائیل، موتور تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران هستند، دستگاه سیاست خارجی ایران در راستای منافع ملی باید به فکر تهدیدزدایی باشد و در مقام مثال با دو کنوانسیون پالرمو و CFT که در بطن FATF قرار دارند و منافعمان را تهدید می‌کنند مخالفت کند.

“برنامه همکاری‌های جامع ایران و چین” و “FATF” هرکدام می‌توانند به نوعی سرنوشت سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار دهند و باید دید که دولت‌مردان در دوراهی انتخاب خنثی‌سازی تحریم و تمدید تحریم، در این روزهای پایانی دولت کدام را انتخاب می‌کنند.



در ایران ساخته شده ولی استقبالی از آن نشده (روبیکا)، اما سوال اصلی که به وجود می‌آید این است که چه شد که یک شبه تمام گفت‌وگوهای سیاسیون از نسخه خارجی چنین بستری سر در آورد؟ یعنی ما اگر این پلتفرم را با غربالگری بپذیریم و یا مهندسی معکوس زده و بومی‌سازی کنیم و در جهت حمایت از ساخت آن اقدام کنیم؛ می‌شویم جهان‌سومی و عقب افتاده؟

اگر غیر این است چرا به جای وقت گذاشتن در این زمینه، فقط بصورت کلیشه‌ای شعار نه به فیلترینگ راه می‌اندازیم و در اتاق‌های کلاب‌هاوس وقت‌گذرانی کرده و در صفحات خود تبلیغ علایق می‌کنیم.

چرا وزیر ارتباطات که خود مجری قانون است از اولین نفراتی است که در این شبکه اجتماعی بدون مجوز حضور پیدا میکند و ساعات‌های طولانی وقت صرف می‌کند و بعد از فیلتر شدن این شبکه در قامت مدافع تمام و کمال آن قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد با توجه به این موارد کلاب‌هاوس قرار است یکی از بازیگران جدی در عرصه انتخابات ۱۴۰۰ باشد و در روزهای آینده صحبت‌های فراوانی از این بستر به گوش خواهد رسید.



Clubhouse

بازگشت به فهرست

شبکه اجتماعی می‌شوند. از جمله این افراد میتوان به کاندیداهای احتمالی ریاست جمهوری، افرادی چون آقای صالحی، اعضا و وزیر وزارت خارجه و خود وزیر ارتباطات (!!!) نام برد.

رقم واقعی

اما نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که لزوماً نیازی به حضور مستقیم همه افراد در اتاق‌های اینچنینی نیست بلکه برطبق قاعده، افرادی در این گفت‌وگوهای تازه شکل گرفته شرکت می‌کنند که اکثراً از یک سرمایه اجتماعی خوبی برخوردارند و سرشیکه محسوب می‌شوند. یعنی اگر فرضاً اتاقی ۷ هزار نفر شرکت‌کننده داشته باشد، با اغماض می‌توان گفت با توجه به حساسیت موضوعات اینچنینی این تعداد حداقل دو الی سه برابر می‌شود یعنی بطور مستقیم و غیر مستقیم ۲۱ هزار نفر درگیر آن اتفاق می‌شوند. حتی بازتاب‌های خبری را هم اگر حساب کنیم، می‌بینیم که تعداد قابل توجه‌ای تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.

اما با این همه آیا می‌توان گفت که این آوانگارد کم سابقه بی‌تجمل می‌تواند جزو جریان‌سازان اصلی انتخابات ۱۴۰۰ باشد؟ محلی که بنظر می‌آید مورد توافق دولتی هاست و با حضور خود به آن رسمیت داده‌اند و تا حدودی دعوت‌نامه‌های نانوشته به دیگران ارسال کرده‌اند؛ و طبق گفته‌های خود «در فضای گفتمان آزاد شرکت کرده و پاسخگوی تمام سوالات هستند».

وزیر، فیلترینگ، انتخابات

گفته می‌شود شبیه این پلتفرم قبلتر

کلاب‌هاوس گفتمان ساز؟!!

آیا این رسانه می‌تواند زمین بازی نامزدهای انتخاباتی باشد؟

محمدامین برغمندی (دبیر نشریه انجمن در دانشکده علوم اجتماعی)

به بعد، فضای مجازی و پیام‌رسان‌های جهانی جزو جریان‌سازان و فعالان مایشاء انتخاباتی شدند.

بسترهایی مانند توئیتر و فیس‌بوک که غالباً هم به مانند امروز، جامعه نخبگان و مقامات کشوری را در بر می‌گرفته و بیشترین فعالیت از طرف این جامعه بوده است؛ اما این باعث نشده که عموم مردم از اتفاقات درون آنها بی‌خبر و مصون باشند. مثالی که باید زد این است که: با توجه به اتفاقات اخیر و حضور مقامات

دولتی در بستر کلاب‌هاوس و گفت‌وگوهای که شکل گرفته، عده‌ای پیش‌بینی می‌کنند که به احتمال زیاد این بستر قرار است زمین‌بازی نامزدها و احزاب باشد و با توجه

به کم‌کاری خواسته یا ناخواسته صداوسیما در این راستا، این احتمال ضریب بیشتری به خود می‌گیرد. از نکات جالبی که در مورد این شبکه اجتماعی می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد این است که تا قبل از ورود این اپلیکیشن به ایران تنها ۷۰۰ هزار عضو داشته و فقط بر روی پلتفرم ios قابل دسترسی بود، اما با داغ شدن فضای انتخابات در ایران نسخه غیر رسمی اندروید این نرم‌افزار منتشر می‌شود و در مدت کوتاهی بخش زیادی از مسئولین و سیاسیون کشور عضو این

شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس با شعاری مضمون به «مرکز مشاوره صوتی» کار خود را در سال ۲۰۲۰ آغاز کرد؛ دقیقاً زمانی که اپیدمی کرونا به‌طور افسارگریخته‌ای شیوع پیدا می‌کرد و ارتباطات چهره به چهره کم‌تر و دورکاری‌ها بیشتر می‌شد، این رادیوی تعاملی تاسیس شد.

به زعم بعضی، کلاب‌هاوس با همین فرم ساده‌ای که دارد، توانسته احیاگر گفتمان و مباحثه در تمام سطوح باشد و به زعم دیگری، شبکه‌ای سازمان یافته با روح لیبرال است که به دنبال ایجاد شکاف و براندازی خاموش بین مردم و نظام است.

نشست‌های انتخاباتی کلاب‌هاوسی

در هر دوره انتخاباتی همین آتش و همین کاسه برقرار بوده است. یعنی به‌طور کلی مردم جامعه نسبت به انتخابات ریاست جمهوری به دو دسته نخبگان و عامه تقسیم می‌شده‌اند؛ افرادی که قبل از بالاگرفتن تب انتخابات یعنی بهمن و اسفند ماه رصدهای خود را شروع می‌کنند و سعی در ارزشیابی شرایط و افراد محتمل دارند و دسته دوم که توده مردم هستند، بعد از اعلام شدن رسمی نامزدها پیگیر اخبار مربوطه می‌شوند.

از سال ۸۸ و اتفاقات رنگارنگ آن دوره

خودرو و مسکن که سبب می‌شود به جای تولید، سرمایه‌ها به این بخش‌ها سرازیر شوند؛ عدم اصلاح نظام بانکی‌ای که قرار بود کمک حال تولید باشد اما خود به یکی از عوامل رونق و جهش تولید دانست که اگر برطرف نشوند، تولید نیز احیا نخواهد شد و جهش و رونق تولید که شعار سال‌های پیشین هستند هم باز به تحقق نخواهند رسید.

در جهت رفع موانع نیاز است قوانینی تغییر پیدا کنند و آئین‌نامه‌های پر شمار دولتی اصلاح شوند و یا قانون‌های جدیدی وضع شود. در کنار رفع موانع باید پشتیبانی‌هایی مثل حرکت به سمت تولیدات با ارزش افزوده بالا و جلوگیری از خام‌فروشی، خصوصی‌سازی به معنای واقعی مبتنی بر حفظ نیروی کار و بازسازی و نوسازی واحدهای تولیدی و به کارگیری تکنولوژی و نوآوری، بکارگیری سیستم بانکی در راستای حمایت از تولید و فناوری، راهبرد صادرات محور در بدنه حاکمیت با بکارگیری تمام توان دیپلماسی و شناسایی و تسخیر بازارهای صادراتی و... از جمله پشتیبانی‌هایی است که باید برای رونق تولید انجام بگیرد تا اقتصاد به شکوفایی برسد و مشکلات معیشتی مردم کاهش پیدا کند. امید است شاهد این باشیم که شعار سال‌های اخیر به تحقق برسد و مردم بتوانند نتایج آن را در زندگی خود احساس کنند.

بازگشت به فهرست

ناشی از تحریم، بی‌اثر می‌شود و هم اشتغال و درآمد عمومی افراد دخیل در امر تولید، رونق می‌یابد که ماحصل آن به خروج از رکود و تورم و ایجاد رونق اقتصادی منجر خواهد شد؛ به اضافه‌ی آن که امروزه بدلیل کم‌کاری در این حوزه و سوء تدبیرهای دولت دهم در این زیرشاخه‌ی مهم از اقتصاد، شاهد تاثیرات و مشکلات عمیق روی معیشت مردم هستیم.

موانع موجود و پشتیبانی‌های لازم

در جامعه امروز ایران عوامل و موارد زیادی به عنوان مانع، بر سر راه تولید قرار دارد که اجازه شکوفا شدن به استعدادهای ناب متخصصان و تولیدکنندگان ایرانی را نمی‌دهد.

موانع و پشتیبانی‌ها باهم در آمیخته‌اند. برای جهش تولید و شکوفایی اقتصاد باید موانع را شناخت و آن را از سر راه برداشت و با پشتیبانی به حرکت در این مسیر کمک کرد.

از موانعی که باید در سال جاری از میان برداشته شوند

می‌توان به مسیرهای پر پیچ و خم اداری برای دسترسی به مجوزهای قانونی؛ عدم رعایت اصول آمایش سرزمین در مکان‌یابی کارخانجات و تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای براساس رویکردهای قومیتی، سیاسی و... عدم برخورد قاطع با واردات و قاچاق کالاهایی که مشابه داخلی دارند؛ فساد مالی و اداری و عدم شفافیت و فقدان نظارت بر امضاهای طلایی؛ تاخت و تاز دلال‌ها و واسطه‌ها که ثمری جز ضرر برای تولیدکننده و مصرف‌کننده ندارند. عدم ثبات در نرخ ارز، طلا،



کلید کم‌شده مشکلات

تبیین شعار سال ۱۴۰۰ - تولید، پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها

بهار سادات شیخ الاسلامی (عضو فعال انجمن در دانشکده اقتصاد)

هم به عنوان شعار سال! هر اقتصادی به صرف داشتن درآمدهای ارزی فراوان از طریق خام‌فروشی یا استفاده از ثروت ملی (مانند کشورهای نفتی حوزه خلیج فارس) می‌تواند با واردات انبوه کالاها تورم را کنترل کند. موضوعی که قطعاً نشان دهنده اقتدار، پیشرفت یا سلامت آن سیستم اقتصادی نبوده بلکه صرفاً با حراج منابع ملی و گسترش خام‌فروشی و بدون توجه به استقلال اقتصادی با افزایش واردات یک‌وفور تصنعی در جامعه ایجاد می‌شود که مصداق بارز آن را می‌توان کشورهای کوچک عربی در منطقه مانند امارات و قطر دانست که بدون داشتن تولیدات خاص از در ظاهر از نظر اقتصادی در

شرایط مساعدی برخوردارند. در مقابل برای یک اقتصاد شکوفا تولید، راه حل و آدرس قطعی برای برون‌رفت از معضلات اقتصادی است.

تولید به عنوان زیرشاخه‌ای از علم اقتصاد باعث افزایش ثروت کشور و درآمد سرانه پایدار و کاهش بیکاری، نقش پررنگی در رفاه و بهبود معیشت خواهد داشت و اقتصاد ایران را تا حد زیادی از وابستگی به نفت نجات خواهد داد. اگر چرخ تولید کشور در تمام موارد مورد نیاز، به چرخش درآید و به تثبیت برسد، هم فشار خارجی

رهبر معظم انقلاب سال جدید را سال «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها» نامگذاری کردند. حال این سوال پیش می‌آید چرا این شعار؟! مصداق این شعار چیست؟! پشتیبانی‌های لازم و موانع تولید چیستند؟!

اهمیت مسئله تولید

در ابتدا باید بگوییم شنیدن این شعار که بسیار دقیق بیان شده و از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، از زبان رهبری این موضوع را روشن کرد که ایشان به مسائل اساسی و اصلی کشور، حساس و دغدغه‌مند هستند و با سوق دادن دوباره‌ی مسئولین نسبت به مسئله‌ی اقتصاد و تولید و جزئی‌تر

کردن شعار در هر سال (شعار سال گذشته رونق تولید و امسال روش ایجاد رونق در تولید به عنوان شعار) سعی بر متوجه کردن مسئولین به این مسئله حیاتی و حتی ارائه راهکار به آن‌ها دارند تا بتوان کشور را از این شرایط خارج کرد.

نخستین نکته‌ای که از این شعار برداشت می‌شود اهمیت به موضوع تولید در چند سال اخیر است. در سال‌های گذشته برای بعضی افراد سوال پیش می‌آمد که چرا تولید؟! آن

شعار سال گذشته رونق تولید و شعار امسال روش ایجاد رونق در تولید

کل است. آن زمان است که کم کم نگاهمان عوض می‌شود، حد و مرزهایمان جا به جا می‌شوند، عقاید و خط فکری‌مان تغییر می‌کند و می‌شویم همان چیزی که آن‌ها می‌خواهند.

امید و برنامه‌ریزی

فضای مجازی امروزه به قدری مملوء از محتوای سطحی و بی‌کیفیت شده است که دیگر کمتر کسی است به دنبال مفاهیم عمیق باشد؛ چرا که با ادبیات ماهرانه، ظاهر زیبا و بیان رنگینی که دارند به راحتی مخاطب را جذب می‌کنند. در اینجا است که نقش تشکلهای دانشجویی، اساتید و نخبگان کشوری مطرح می‌شود.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «یکی از مهم‌ترین وظایف همه‌ی ما پرهیز از ناامیدسازی مردم است. گاهی یک کسی یک جوری حرف می‌زند؛ چه در سخنرانی، چه در صحبتی مانند آن، چه حالا در فضای مجازی که دیگر یک چیز بی‌حد و مرز و عجیب و غریبی شده؛ که شنونده و مخاطب ناامید می‌شود؛ ما نباید اجازه بدهیم ناامیدی وارد میدان بشود. اگر امید نباشد هیچ کدام از این کارهای بزرگ انجام نمی‌گیرد. مردم را باید امیدوار کنیم و این امیدواری، امیدواری کاذب هم نیست؛ بلکه واقعیت قضیه همین است؛ یعنی واقعاً باید امید داشت، چون آینده، آینده‌ی خوبی است، آینده‌ی روشنی است.» ما همواره باید تلاش کنیم تا تولید محتوای فضای مجازی را در دست بگیریم. راه طولانی در پیش است اما با تلاش و برنامه‌ریزی می‌توان به این هدف رسید.

بازگشت به فهرست

جنگ هنوز هم ادامه دارد

در دنیای امروز که جنگ‌های رو در رو، جای خود را به جنگ‌های نرم و رسانه‌ای داده‌اند و در شرایط خاص کرونایی امروز، آموزش‌های مجازی، بازی‌های به ظاهر کودکانه و... سرگرمی‌های جذابی شده‌اند که به راحتی کودکان و جوانان ما را به خود جذب می‌کنند و فضای مجازی را به ابزاری اصلی حتی برای کودکان بدل کرده است.

حال چگونه می‌توان جلوی اثار مخرب این موارد را گرفت؟ قطعاً یکی از قشرهای مؤثر و مهم در جامعه ما دانشجویان و تشکلهای دانشجویی است. دانشجویان باید وارد این میدان جنگ شوند. باید یاد بگیریم که در این فضا قرار نیست فقط یک مصرف‌کننده باشیم و خودمان را بسپاریم به دست جریان‌های رسانه‌ای، که اگر چنین باشد می‌شویم عروسک بازی‌های رسانه‌ها؛ روزی یا خبر در گذشت یک سلبریتی سرگرم‌مان می‌کنند و روزی با نرخ بالا و پایین قیمت‌های سکه، دلار و...

اگر ما در فضای مجازی حرفی برای گفتن نداشته باشیم؛ کسانی برای ما میکروفون به دست می‌گیرند و می‌شوند تحلیل‌گری که دانای



محتوای بی پایان مجازی

فرصت‌ها و تهدیدات فضای مجازی

زینب الجبوری (عضو فعال انجمن در دانشکده ادبیات)

در این فضا را داشته باشد و اگر غیر از این باشد شما صرفاً وقت خود را برای آن تولید محتوا هدر داده‌اید. می‌توان فضای مجازی را به یک شهر بزرگی تشبیه کرد که افراد زیادی با تفکرات، عقاید و فرهنگ‌های مختلفی وارد آن می‌شوند؛ ما در این فضا با این افراد در ارتباط هستیم و همین فضا و افراد می‌توانند بر عقاید و تفکرات ما تاثیر بگذارد.

اصلاً تا به حال به این فکر کرده‌اید که محتوای مختلفی که شما به طور اتفاقی آن‌ها را در فضای مجازی می‌خوانید یا مشاهده می‌کنید، ممکن است با هدف تأثیر بر عقاید

و تفکرات و حتی فرهنگ شما در این فضا منتشر شده باشد؟ خواه این تأثیر ممکن است جنبه مثبت داشته باشد و خواه منفی. هیچ محتوایی بی‌هدف تولید نمی‌شود.

هیچ محتوایی بی‌هدف تولید نمی‌شود

دنیای امروزه ما آدم‌ها، روز به روز در حال تغییر است. فضای مجازی جزء جدایی‌ناپذیر سبک زندگی ما شده و به نوعی می‌شود گفت با ما عجین شده است؛ دیگر کمتر کسی پیدا می‌شود که با دنیای مجازی آشنا نباشد. حتی پدر بزرگ و مادر بزرگ‌های ما هم امروز در دنیا مجازی تعداد زیادی دنبال‌کننده و مخاطب دارند. اکثر ما بسیاری از کارهای روزمره خود را از همین طریق انجام می‌دهیم. میلیون‌ها میلیون فرد در این فضا فعال هستند و هر یک به نوبه خود جایگاهی را برای خود در آن ترسیم کرده‌اند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «فضای مجازی ابزاری کارآمد است که می‌توان از طریق آن حرف‌های خود را به تمام جهان رساند. یک دنیای رو به رشد، غیر قابل توقف است که آخر ندارد؛ همان اول بلا آخر است.»

اهمیت محتوا در فضای مجازی

حال یکی از موضوعات مهمی که در این فضا حائز اهمیت است محتوا و تولید آن است. محتوا و مطلبی که شما در این فضای گسترده و وسیع منتشر می‌کنید باید به قدر کافی جذابیت داشته باشد؛ که توجه تعداد زیادی از کاربران را به خود جلب کند. باید به نوعی باشد که ارزش زنده ماندن

می شود.

کلید گمشده حل مسائل کجاست؟

در حالی که لایه‌های ظاهری و بیرونی صدا و سیما در حرکت به سوی تأکید بیشتر بر ارزش‌های انقلابی و مذهبی بود، اما آموزه‌های پنهان آن مسیری مخالف این مسیر را پیموده است. شکل‌گیری شورای نظارتی و سیاست‌گذاری آگاه و کارآمد در صداوسیما می‌تواند راهی برای حلال مشکلات بی‌محتوایی رسانه‌ها و ابتذال خانواده باشد. تشکیل شورایی به دور از تفکرات ولنکارانه فرهنگی در صداوسیما باعث می‌شود تا صداوسیما با برنامه‌ریزی و ارائه راهبردی و همچنین رصد و رتبه‌بندی تولیدکنندگان برنامه‌هایی با محتوا را تولید کند. این شورا می‌تواند تیم‌های پژوهشی که بر روی موضوعات مختلف تخصص دارند را به کار گیرد تا محتوای با معنایی ساخته شود. مثلاً اگر قرار است دربارهٔ مجمع ناشران انقلاب اسلامی در تیم فکری آنان حضور داشته باشد.

صدا و سیما دانشگاهی عمومی برای تربیت مردم

امام خمینی از صدا و سیما با عنوان «دانشگاه عمومی برای هدایت و تربیت مردم» نام برد. صدا و سیما باید با برنامه‌ریزی و طراحی دقیق و مناسب آرمان‌ها و اهداف انقلاب را در حوزه‌های مختلف به مردم و نهادهای دیگر عرضه کند تا هدایت جامعه را در مسیر فرهنگ سازی درست به پیش ببرد اما متأسفانه امروز شاهد این هستیم که صداوسیما با برنامه‌های تلویزیونی و سریال‌ها و سینماهایی با عنوان خانواده، فروپاشی خانواده راه هدف خود قرار داده است.

تلویزیون نیز است، خندوانه می‌باشد. برخی ضعف‌هایی که در این برنامه به چشم می‌خورد عبارت‌اند از عدم هدف‌گذاری مشخص؛ در این برنامه مشخص نیست صرفاً مشکلات جامعه در قالب طنز بیان می‌شود یا صرف شاد کردن یا خنده همراه با نکات آموزنده می‌باشد. خنده‌های الکی و گاه از روی تمسخر یا قهقهه زدن خندوانه را از حالت طبیعی خارج کرده است. قبح زدایی از برخی گناهان؛ خندوانه برخی از گناهان را مانند ارتباط نزدیک و بیشتر یک زن و یک مجری مرد،



خنده بلند خانم‌ها جلب توجه یک زن در میان نامحرمان، از بین بردن حیا با شوخی‌های مبتذل، نه تنها زشت نشان نمی‌دهد که آن را یک ارزش به نمایش می‌گذارد.

به تعبیر برخی کارشناسان رسانه، زمانی از نهاد خانواده فاصله گرفتیم که نگاه‌های مدرن‌تر درون جامعه رواج پیدا کردند که در سریال‌ها نیز به چشم می‌خورد. برای مثال در سریال «پدر سالار» وقتی شخصیت آذر در آن شورش کرد و همهٔ خانواده را علیه شخصیت پدر شوهر شوراند؛ کم‌کم این شورش در بین جوان‌ها به وجود آمد و زمانی که جوانان جذب تنوع ابزارهای مختلف رسانه‌ای شدند، احساس کردند به آزادی رسیدند. در بسیاری از سریال‌ها نوعی فردگرایی را به بیننده القا می‌کند که فرد می‌تواند خودش برای خودش تصمیم بگیرد و خانواده هیچ نقشی در زندگی او ندارد و باعث فروپاشی خانواده

الگوسازی غلط، گلوله پایان حیات خانواده

نرگس جانی (دبیر سیاسی شورای انجمن در دانشکده الهیات)

آن‌ها مسیری خلاف هدف خود طی نمودند. در ادامه با نمونه از آن‌ها آشنا می‌شوید.

فرهنگ سازی به چه قیمتی؟

یکی از برنامه‌هایی که در زمینه فرهنگ سازی ساخته شده زوجینو است که با هدف توجه به بنیان خانواده و تشویق جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده شکل گرفته اما متأسفانه ضعف‌هایی را در خود جای داده است: پیام برنامه که می‌خواهد بگوید مشکلات دو طرف در ازدواج با همکاری یکدیگر حل می‌شود، به خوبی به مخاطب داده نمی‌شود؛ زیرا بیشتر پیام‌های برنامه، حول محور رفتارهای لوس و سبک زوجین است. ازدواج در جوان‌های بی‌تجربه با خیال‌پردازی و بدون واقع‌نگری را به مخاطبان که جوانان مجرد باشد، القا می‌کند. این برنامه بنا بر تصور تهرانی بودن برای کل کشور ساخته شده بدون پرداختن به سایر قومیت‌ها و دشواری‌های آن‌ها با کیلومترها فاصله از پایتخت و به گونه‌ای زندگی ایده‌آل تهرانی‌ها را به رخ بکشد. این برنامه کپی از برنامه family feud است و نه تنها کمک شایانی به فرهنگ‌سازی نکرده بلکه اثرات مخرب فرهنگی نیز به همراه داشته است.

یکی دیگر از این برنامه‌ها که از پرمخاطب‌ترین برنامه‌ها در

مهم‌ترین نهاد خانواده و سازنده فرهنگ عمومی جامعه، صدا و سیما است. طبق مصوبهٔ ۵۶۹ جلسه سال ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی صدا و سیما ایران، رسالت خطیری در توسعه فرهنگی و تحولات اجتماعی از جمله وظایف آموزشی، خبری، هدایتی، تفریحی و تبلیغی برعهده دارد. هر ساله با هدف فرهنگ سازی درست برنامه‌ها و سریال‌های زیادی با هزینه‌های گزاف وبا پرکردن وقت مخاطبان تولید و ساخته می‌شود. ناگفته نماند که هرچند این برنامه‌ها بی‌تاثیر نبوده اما متأسفانه ضعف‌هایی در آن به چشم می‌آید که نه تنها فرهنگ‌سازی درست را به نمایش نمی‌گذارد بلکه باعث اشاعهٔ فرهنگ غلط در میان مردم نیز می‌شود. خیلی از برنامه‌های تلویزیون نظیر دورهمی، شبی با عیدی، تب تاب، اعجوبه‌ها، عصر جدید، سیم آخر، برنده باش و زوجینو با هدف فرهنگ سازی درست تولید شدند اما بسیاری از



است که در دنیای غرب و غرب زدگان به نام هنرخوانده می‌شود».

مروری بر خاطرات شهید کامران آوینی که در سال‌های قبل انقلاب چندان شباهتی با سید مرتضی بعد از ایام انقلاب نداشت، زمانی که امام را که پیدا کرد تمام نوشته‌هایش اعم از تراوشات فلسفی، داستان‌های کوتاه، شعر و... را درون چند گونی ریخت و آتش زد. او در این بار می‌گوید: «هنر امروز حدیث نفس است و هنرمندان، گرفتار خودشان. به فرموده حافظ تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز. سعی کردم که خودم را از میان بردارم، تا هرچه هست خدا باشد. البته آنچه که انسان می‌نویسد همیشه تراوشات درونی خود اوست، اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند، انگاه این خداست که در آثار ما جلوه گرمی‌شود...».

بیستم فروردین ماه یادآور عروج ملکوتی هنرمند فرزانه نویسنده‌ی توانا و راوی باصفای فتح، شهید سید مرتضی آوینی است که روز هنر انقلاب اسلامی نامگذاری شد تا همگان هنر انقلاب اسلامی را با نام او به خاطر بیاورند.

بگذار ما این است

که ما مانده ایم و شهدا زنده اند اما حقیقت آن است

که زمان ما را با خود برده است و شهدا مانده اند

سید مرتضی آوینی

گروه تلویزیونی جهاد را راه انداختند که مجموعه روایت فتح، مستندی است که در رابطه با رویدادهای سیاسی-نظامی هشت سال جنگ ایران و عراق ساخته شد و در همان دوران تصاویر بکر و به یادماندنی از آن حماسه‌ها به یادگار گذاشت...

هنر در اندیشه شهید آوینی شهید آوینی در تبیین معنای هنر می‌نویسد: «در زبان ما، هرگز هنر به معنایی که این روزها مصطلح است، به کار نمی‌رفته است. ارباب هنر، ارباب کمال بوده‌اند...؛ حال آن که هنر در معنای اصطلاحی آن، نه به مفهوم کمال و فضیلت، بلکه به مجموعه مسائلی خاصی اطلاق می‌گردد که توسط جماعت هنرمندان و منتزع از سایر مظاهر حقیقت در حیات بنی آدم انجام می‌شود... قدما هنر را به همین مفهوم به کار می‌بردند و اگر می‌گفتند «عیب مبین تا هنر آری به دست» هنر را مفهومی در مقابل عیب و به معنای کمال و فضیلت اعتبار می‌کردند. مفهوم اصطلاحی هنر، در این قرن اخیر باب شده است.»

شهید آوینی می‌گفت: «از نظر ما، هنر انقلاب ماهیتاً متمایز از آن مفهومی



هنر انقلابی

فاطمه عشوریان (عضو فعال انجمن در دانشکده ادبیات)

اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است. پس باید حقیقت را فهمید؛ بعد از آن نیز باید همان حقیقت را تبلیغ کرد.

نمی‌شود با شیوه‌های سیاسی - شیوه‌های سیاست‌گران و سیاست‌مداران - در عالم فرهنگ حرکت کرد، این خلاف شأن فرهنگ است. در عالم فرهنگ بایستی گره‌گشایی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد، بایستی گره‌های ذهنی را باز کرد.

و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیاء. بخشی از سخنان بالا، از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با شعرا در سال ۸۸ بود که مسیر راه یک هنرمند، یک هنرمند انقلابی را روشن می‌کند.

سید شهیدان اهل قلم مرتضی آوینی در آخرین پنجشنبه شهریور ۱۳۲۶ در شهری به دنیا آمد. در سال ۱۳۴۴ در رشته معماری دانشکده هنرهای زیبای تهران قبول شد و تا فوق لیسانس را در همان دانشکده خواند. در سال ۱۳۵۸ وارد جهاد سازندگی شد. بعد از آن هم با دوستانش

هنر انقلاب اسلامی هنری است که مقارن با انقلاب ۱۳۵۷ ایران شکل گرفت و متأثر از اندیشه‌های روشن‌فکرانی همچون جلال آل احمد و علی شریعتی، رهنمودهای رهبر انقلاب، امام خمینی(ره)، و تجارت نهضت‌های ضداستعماری و چپ‌گرا بود. این هنر طی دهه ۱۳۶۰ و با بروز جنگ ایران و عراق با هنر موسوم به هنر دفاع مقدس درآمیخت. هنر و قالب‌های گوناگون آن در عصری که شاهد صف‌آرایی تمام عیار تفکر مادی در مقابل تفکر الهی و توحیدی

هستیم اهمیت مضاعفی پیدا کرده و وظیفه مهمی در تبیین حقایق و مقابله با دشمنی‌ها دارد. از این رو است که رسالت هنر انقلابی در دوره پس از انقلاب اسلامی مطرح می‌شود. مهم‌ترین وظیفه‌ی انسان

هنری و فرهنگی، تبلیغ و تبیین است: «الذین یبلیغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله»؛ این یک معیار است؛ حقیقتی را که درک میکنید، آن را تبیین کنید. کسی انتظار ندارد برخلاف آنچه که می‌فهمید حرف بزنید. نه، آنچه را که می‌فهمید، بگوئید. البته برای اینکه آنچه می‌فهمید درست و صواب باشد، باید تلاش و مجاهدت کنید؛ چون در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت

مهم‌ترین وظیفه انسان هنری و فرهنگی، تبلیغ و تبیین است

موضوعات پردازد. اگر توجه داشته باشید ورود فاطمه به مستند با لوکیشن گلزار شهدا بوده در صورتی که ورودش به مستند هیچ سنخیتی با چنین فضایی ندارد. وی با مطرح کردن مسئله ربای بانکی و مسائلی از این قبیل سعی دارد خوانندگی زنان را از مستند خارج کند و آن را در مقایسه با ربای بانکی بی اهمیت جلوه دهد. او با این ورود ذهن مخاطب را در مقابل موضوع آنقدر تلطیف می‌کند که براحتی دلایل طرح شده در مستند را بپذیرد و موضوع را به یک دعوی بی اهمیت تقلیل می‌دهد.

در مستند روی عدم تفاوت صدای زن و مرد که همین امر نیز آشکار است مانور دادند که پاسخش همین است با رجوع به متن استفتاء می‌توان دید کاملاً آگاهانه در اینجا صدای زن استثنا شده است (برای مشاهده به متن استفتاء رهبری مراجعه کنید).

نحوه شروع و پایان مستند هم جالب است. مستند با مرثیه و دلسوزی برای دختران آغاز شده و با مرثیه برای نوجوانان و خطر خوانندگان خارجی به پایان می‌رسد. فضایی احساسی که بار دیگر ذهن مخاطب را درگیر خود می‌کند تا تمام اشکالات فرمی و محتوایی را از دید خود خارج کند. نگاهی که می‌تواند با عرفی سازی مسائل مختلف باعث ایجاد مشکلات فرهنگی فراوانی گردد و باید از آن پرهیز شود.

چند مصاحبه است؛ به عنوان مثال آن چیزی که ما در این فیلم مشاهده می‌کنیم چیزی غیر از مصاحبه با فاطمه، آیداز، روحانی مذهبی و... نیست.

دوماً کیفیت پرسش و برداشت کارگردان نه تنها عرفی و سطحی، بلکه با نگاهی تک بعدی به مسئله است. او از اول تا انتهای فیلم سعی دارد هدف و مقصودش را که موسیقی زنان حلالی است که ممنوع شده را صحیح جلوه دهد.

ضعف فیلمنامه و به نوعی متن ضعیف و در مواردی غرض‌ورزانه تا انتهای فیلم گریبان‌گیر مستند است. مسئله موسیقی زنان که هنوز اختلاف نظری در بین حوزه های علمی وجود دارد را با روایت ضعیف و غیر کارشناسی بیان و سوژه را تلف می‌کند. سطحی بودن و ناقص باقی گذاشتن بخش‌های فقهی،

اجتماعی و فرهنگی یکی دیگر از نقدهای وارده بر مستند است؛ به عنوان مثال در اینجا در مسئله فقهی موسیقی زنان بدون ریزبینی و دقت و با نگاهی غیر متخصصانه وارد شده و تنها به یک حکم فقهی بسنده کرده‌اند. موضوع تخصصی مستند به نوعی است که پرداختن به آن نیازمند پژوهش گسترده در چند شاخه تخصصی از قبیل علم موسیقی، فقه و جامعه شناسی است. شمقدری این بار در رشته موضوع مستندات قبلی خود (مسئله مهاجرت و موسیقی زنان) گرفتار شده و همانطور که گفته شد نمی‌تواند به واکاوی هیچ کدام از



می‌خواهم دیده شوم!

نقدی بر فیلم نه چندان مستند حلال ممنوعه

محمد صادق عباسی (عضو فعال انجمن در دانشکده ادبیات)

معرفی حسین شمقدری (کارگردان)

قبل از اینکه به شرح نقد مستند پردازیم بایستی با دست اندرکاران ساخت این مستند آشنا شویم. حسین شمقدری او که از دانشجویان دانشگاه شریف بوده با سابقه مهندسی به عرصه مستند سازی وارد شده است و همین امر موجب گردیده است که با ذهنی ریاضیاتی موضوعات و مسائل اجتماعی را تحلیل و بحث کند. او همچنین سعی در رسیدن به جواب یا حداقل بیان برخی از مسائل در جامعه را بدون سانسور (به هر قیمتی) دارد و در سال‌های اخیر با ساخت مستندهای انقلاب جنسی و میراث آلبرتا این را به مخاطبان خود اثبات کرده است.

فقه ریاضیاتی

فیلم مستند حلال ممنوعه به بررسی حلال یا حرام بودن موسیقی زنان در ایران می‌پردازد. حسین شمقدری با سفر به ترکیه مصاحبه‌ای با دختران ایرانی که سال‌های پیش برای ادامه فعالیت خوانندگی، مجبور به مهاجرت شده‌اند ترتیب می‌دهد. در اینجا کارگردان با رجوع به شرع و یک خط از حکمی دینی سعی در یافتن جواب برای این سوال است که به راستی حکم خوانندگی زنان از نظر شرعی چه می‌باشد و اینکه حد و مرز حرام بودن

صدای زنان چیست؟

فاطمه دختر ایرانی در مسیر موانع دیده نشدن به سر می‌برد اما در همین سطح به آن پرداخته می‌شود نقش مؤثری در مستند ندارد؛ سوالات پرسیده شده از افراد در مستند نیز سطحی و ناظر به برخی موانع موجود در کشور است. آیداز دختر دیگری است که سال‌ها پیش برای رسیدن آزاد به هدف خوانندگی راهی اروپا و در نهایت مقیم کشور ترکیه شده است. او از سختی‌ها، بغض‌ها و غربت خود می‌گوید.

مستند سعی در موشکافی و بررسی ابعاد پنهان و آسیب شناسی حوزه موسیقی ندارد صرفاً با نشستن پای درد و دل خوانندگان با فضایی احساسی از بیان دقیق مسائل چشم‌پوشی می‌کند.

تحلیل و بحث موضوعات و مسائل اجتماعی با ذهنی ریاضیاتی

در ادامه به الگو گرفتن

برخی قاریان بین المللی قرآن کریم و حتی ربنای شجریان از آهنگ‌های خواننده زن مصری اشاره می‌کند تا به بیننده بقولاند که به یک سؤال فقهی-فرهنگی تا چه میزان راحت می‌توان پاسخی عرفی داد!

همین قدر سطحی!

از جمله نقدهایی که بر این مستند وارد است این است که اولاً فضا و ساختار کلی مستند تنها حاصل جمع شدن

این نکات می‌تواند به ما توجه بدهد. ما در یک پیچ تاریخی بسیار مهمی هستیم که اگر زمان را نشناسیم و اگر نتوانیم در زمان مناسب این پیچ را بفهمیم و نگرش لازم را انجام دهیم قطعاً کشور ما دچار ضرر و زیان خواهد شد. به نظر میرسد راه گسترده و زیادی را کشور پیموده و الان این انتخابات با حضور حداکثری مردم، می‌تواند کمک کند به روند این پیشرفت، به روند پاسداشت از خون شهدا، به روند پاسداشت از کسانی که در هر عرصه، در هر ساحتی در فضاهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند کمک می‌کنند به پیشرفت کشور. به نظر میرسد این قسمت هم می‌تواند برای ما مهم تلقی شود.

دانشجویان برای بهره‌مندی از فضای انتخاباتی باید به چه مواردی روی آورند؟

یکی از بحث‌های بسیار مهم نقش خود دانشجویان عزیز و گرامی است. دانشجویان عزیز باید از این فضای مجازی، از این فضای و بیناری استفاده نکنند و به جای اینکه وقت و زحمات خودشان را روی مصادیق قرار بدهند، بیشتر ورود پیدا نکنند به ذکر شاخص‌ها به ذکر الگوهای رفتاری مناسب رأی‌دهندگی، به ذکر اینکه در فضای امروز رسانه‌ای و در جریان انباشت رسانه، چگونه می‌توانند دنبال یک سری از تحلیل‌های روش‌مند باشند تا به نوعی خطاهای شناختی جامعه را کاهش بدهند و به سمت روندهای مثبت و به سمت برطرف کردن این خطاها پیش بروند. نقش دانشجویان در ایجاد انگیزه لازم و هیجان مثبت و ارتقای بینش سیاسی به نظر من می‌تواند مهم باشد و استفاده از فضای مجازی در این قسمت می‌تواند به ما کمک‌های جدی بکند.

بازگشت به فهرست

کنند تا دانشجویان گرامی و عزیز متناسب با آن شاخص‌ها و راهبردها، خودشان بتوانند انتخاب ثانویه‌ای را انجام بدهند.

اساتید برای تاثیرگذاری بیشتر بر دانشجویان از چه موضعی باید وارد شوند تا نتیجه بهتر و بیشتری بگیرند؟

بنظر می‌رسد اساتید ما با روش منطق فازی و اینکه الحمدلله خودشان هم کاملاً به این موضوع اشراف دارند که بتوانند در واقع در یک فاز بین سیاه و سفید مسائل را ببینند؛ نه سیاه ببینند نه سفید ببینند. بالأخره باید واقع‌نگر بود هم نقاط قوتی در این فرایند چهل ساله در کشور وجود دارد هم نقاط ضعفی وجود دارد و این موضوع به خوبی در بیانیه گام دوم به آن اشاره شده است. موضع اساتید برای تشویق دانشجویان بایستی مبتنی بر اقناع، مبتنی بر فهم همدلانه باشد و این اقناع و فهم همدلانه حتماً باید استدلال‌های خاص خودش را داشته باشد و حتماً باید این فضا را ایجاد کرد؛ یک فضای آزاداندیشی یک فضای هم‌اندیشی. این اتفاق باید رغم بخورد. امید آفرینی و توجه به تلاش‌های جدی‌ای که در طول این چهل سال صورت گرفته و همچنین توجه به هزینه‌هایی که این کشور بخصوص در ساحت شهدا و جانبازان و مردمان عزیز که زیر فشار فقر قرار گرفتند و افرادی که مشکلات و هزینه‌های زیادی را در جامعه تحمل کردند برای اینکه استقلال، آزادی، اسلامیت و جمهوری و کشور بتواند حفظ شود،



تاثیر اساتید در انتخابات

مصاحبه سحر با دکتر عباسعلی رهبر، عضو هیئت علمی دانشگاه

زینب عشوریان (عضو فعال انجمن در دانشکده ارتباطات)

بنظر شما نقش اساتید در برخورد با دانشجویان به چه نحو باید باشد؟

اساتید عزیز ما به عنوان مرجعیت فکری دانشجویان، به عنوان کسانی که مورد اهتمام و احترام دانشجویان هستند می‌بایست نسبت به انقلاب اسلامی و اصول انقلاب اسلامی یک بازخوانی و یک تبیینی را برای دانشجویان عزیز و گرامی و فهیم ما داشته باشند. اساتید محترم و عزیز می‌توانند در رابطه با اهمیت انتخابات و راهی که باید پیدا کنند و در چند مورد می‌توان این بحث را مطرح کرد؛ راهکارهای ارتقای بینش سیاسی جامعه و دانشجویان بحث مطالبه‌گری صحیح و منطقی بحث امید آفرینی و بحث واقع‌نگری که شاید از موضوعات مهمی باشد که اساتید می‌توانند در این مؤلفه‌ها و موارد نقش جدی‌ای داشته باشند.

آیا اساتید می‌توانند در هدایت و روشن‌گری دانشجویان از طریق راهبردهای درست، برای حضور در پای صندوق‌های اخذ رأی موثر باشند؟ و این موضوع تا الان به چه نحو در دانشگاه‌ها بوده است؟

نکته‌ای که بسیار بسیار مهم هست این است که ما وقتی از بصیرت و بینش سیاسی صحبت می‌کنیم، اون قطب‌نمای حرکت صحیح و شاخص است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند در جاده همیشه باید شاخص مورد نظر باشد. اگر شاخص را گم کردید زود اشتباه می‌کنید.

اساتید می‌توانند با بحث جریان‌شناسی منطقی و دور از فضاهای سیاست‌زدگی با بحث موقع‌شناسی، با بحث آینده‌شناسی و بحث مهم مطالعه تاریخ، توجه دانشجویان ما را به اهمیت انتخابات و مشارکت مردم مورد توجه قرار بدهند. البته این را هم باید دقت کرد، نباید مشارکت مردم در انتخابات را فقط در زمان انتخابات سنجید و آن‌ها را به مانند سالادی برای سر سفره وارد کرد، بلکه وقتی از حضور مردم صحبت می‌کنیم، انتخابات نقطه شرع حضور مردم است و تاپایان مسئولیت یک دولت باید آن جریان نظارت و آن جریان امر به معارف و نهی از منکر مردم در غالب‌های مختلف حتی اعتراض‌های مدنی و قانونی و... باید خودش را نشان بدهد و به نظر می‌رسد این بخش ارتقا بینش سیاسی و توجه به عناصر مختلفی که در این قسمت هست بتواند خیلی کمک بکند به آن فضایی که ما در آن سیر می‌کنیم، و اساتید می‌توانند یک نقش پیامبر گونه‌ای داشته باشند. در این قسمت و سوره یوسف آیه ۱۰۸ نکته جالبی را می‌فرمایند: « قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي » راه من این است که من و پیروانم با بصیرت کامل مردم را به سوی خدا دعوت بکنیم. حتماً اساتید ما این موضوع را در نظر دارند که با نگاه منصفانه و با نگاه عالمانه، با نگاه مشفقانه و با نگاه بدیلانه بتوانند دانشجویان گرامی را در عرصه انتخابات ترغیب کنند و بتوانند شاخص‌های مهمی را برای انتخاب درست مطرح



سحرهای ماه رمضان را از دست ندهید

سحر ماه رمضان همه پا میشوند؛ نباید این سحر را از دست داد؛ سحر فرصت خیلی خوبی است. مکرر عرض کرده ایم که اگر ماها از سحر استفاده نکنیم، در این دنیای شلوغ، وقت دیگری نداریم برای خلوت با خودمان، با دلیمان، با خدای خودمان؛ واقعاً وقتی باقی نمیماند. ما گرفتاریم؛ در این ۲۴ ساعت، چند ساعتش که خوابیم، آن ساعتی هم که بیدار هستیم، گرفتاریم؛ هر کسی یک مشغولیتی دارد یا مشغولیتهای مختلفی دارد. آن فراغتهایی که وجود داشت، امروز وجود ندارد. فرصت ما فقط سحر است؛ اگر چنانچه سحر را از دست بدهیم، دیگر واقعاً فرصتی باقی نمی ماند.